

حافظه قاب‌بندی‌شده در ایرلند شمالی: کشف پسا خاطره از طریق تصاویر در زمان حال و زمان گذشته دیردره مدن

مریم امیرشعبانی

دانش آموخته کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

شهریار منصوری

استادیار ادبیات مدرن ایرلندی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

این مقاله زمان حال و زمان گذشته دیردره مدن را از دریچه نظریه پسا خاطره ماریان هیرش بررسی می‌کند و بر نقش عکس‌ها در پر کردن شکاف بین نسل‌ها و ساختن روایت‌هایی درباره رویدادهای آسیب‌زا تمرکز می‌کند. با وجود تمایل اجتماعی به ضد نوستالژی و میل به فراموش کردن نگرانی‌های گذشته به نفع رفاه جدید، شخصیت‌های اصلی با گذشته‌ای سروکار دارند که به شکلی شبه آسیب‌زا به زمان حال نفوذ می‌کند. برای ارزیابی چنین شکل‌گیری هویت شکسته‌ای در شخصیت‌ها، مشخصه ایرلند پس از دوره ببر سلطنت، این مقاله خاطرات را به عنوان منبع جدایی‌ناپذیر هویت بررسی می‌کند. به این ترتیب، مفهوم پسا خاطره ماریان هیرش برای درک ارتباط بین شکل‌گیری حافظه آسیب‌زا و شکل‌گیری هویت مشترک در میان بلزمانندگان حوادث فاجعه‌بار استفاده خواهد شد. چنین ارتباط انزاعی، عکاسی را به عنوان وسیله‌ای برای انتقال معنا، حافظه و هویت از نسلی به نسل دیگر بررسی می‌کند و در رابطه بین گذشته و حال متمرکز می‌شود. این مقاله با توجه ویژه به این که چگونه پس از خاطره به عنوان وسیله‌ای کاربردی برای دست و پنجه نرم کردن با آسیب‌های حل نشده عمل می‌کند، به پایان می‌رسد و شخصیت‌ها را به سمت شکلی اخلاقی از یادآوری گذشته سوق می‌دهد.

واژگان کلیدی: جنگ‌های ایرلند شمالی؛ ضد-نوستالژی؛ قاب و ساختار خانواده؛ دیردره مدن؛ زمان حال و زمان گذشته.

اخلاق حقیقت‌محور و رمان دیاسپوریک: اخلاق رادیکال در راه‌گرسنگان اثر بن اوکری

مریم سلطان شهدتاج بیاد

دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

بهزاد صادقیان فرد

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

مطالعه حاضر کارکردهای اخلاقی رمان دیاسپوریک را از طریق خوانش بافتی و متنی رمان *راه‌گرسنگان* بررسی می‌کند. رمان دیاسپوریک، به‌منزله روایت به حاشیه‌رانده‌شدگان سیاسی و بی‌جاشدگان اجتماعی، از نوعی یگانگی در فرم و محتوا برخوردار است. از نظر فرمی، رمان دیاسپوریک غیرکانونی است، چون به فضای میان فرهنگ‌ها و ملت‌ها تعلق دارد. همچنین، از فرمی مکالمه‌گرایانه بهره می‌برد که گفتمان‌ها و ژانرهای فرعی را رمانیزه می‌کند. از لحاظ محتوایی، رمان دیاسپوریک فضایی لیمنال می‌گشاید و روایت می‌کند و شامل جست‌جوی اتوپایی در وضعیت دیستوپایی موجود است. همزمانی این چهار ویژگی رمان دیاسپوریک را تبدیل می‌کند به روایت تجربه در موقعیت‌های حاد. اما علت اینکه رمان دیاسپوریک از لحاظ اخلاقی رادیکال است این نیست که نشان می‌دهد تجربه انسانی در موقعیت‌های استثنایی چقدر متفاوت است، بلکه علتش آن است که به آن چیزی راه می‌برد که آن بدیو اخلاق حقیقت‌محور در موقعیت‌های یگانه می‌نامد. تجربه دیاسپوریک منجر به نوعی نظام اخلاقی حقیقت‌محور می‌شود که، نه تنها تسلیم نوعی اخلاق تفاوت‌محور و منطبق با علیه آنها نمی‌شود، بلکه حقیقت انسانی موجود در بطن تجربه دیاسپورا را نمایان می‌کند.

واژگان کلیدی: رمان دیاسپوریک؛ اخلاق حقیقت‌محور؛ کانون‌گرایی؛ آستانگی؛ دیستو-یوتوپایی؛ مکالمه‌گرایی.

دگرپنداری وجود و دیگری از منظر وجود: بررسی تطبیقی هملت اثر شکسپیر و ۴:۴۸ سایکوسیس اثر سارا کین از دیدگاه خود اخلاقی لویناس

علی آقائی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، بخش زبان های خارجی
وزبان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
بی حدائق (نویسنده مسئول)

دانشیار ادبیات انگلیسی، بخش زبان های خارجی و زبان شناسی،
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

مطالعه تطبیقی حاضر به بررسی نمایشنامه هملت (۱۶۰۳) اثر شکسپیر و ۴:۴۸ سایکوسیس (۲۰۰۰) اثر سارا کین می پردازد. در این مطالعه، نحوه به تصویر کشیدن مواجهه با دیگری براساس نظریات لویناس در کتاب غیر از وجود یا فراتر از ذات (۱۹۷۸) مورد بحث قرار می گیرد. در نظریه لویناس نحوه به تصویر کشیدن مواجهه با دیگری و تمرکز بر اتفاقات اصلی نمایشنامه ها و دیالوگ های مهم مورد بررسی قرار می گیرد. یکی از مهم ترین مفاهیم در نظریه لویناس وظیفه است که برای محقق شدن تعالی ذاتی بسیار ضروری است و اهمیت تعالی به این دلیل است که بدون آن سوژکتیویته امکان پذیر نیست. نتیجه تحقیق نشان می دهد که در نمایشنامه شکسپیر تقریباً تمام شخصیت های که اصول اخلاقی را رعایت نمی کنند کشته می شوند، اما در نمایشنامه کین چنین شخصیت هایی شکست خورده، نا امید شده و به پوسته های تو خالی از خود تبدیل می شوند که در یک برهه زمانی برای همیشه ساکن مانده و توانایی تعالی و حرکت به سمت دیگری را ندارند. لذا، واضح است که رعایت نکردن اصول اخلاقی برای شخصیت های پست مدرن در مقایسه با شخصیت های پیش مدرن پیامدهای بسیار شومتری در پی دارد.

واژگان کلیدی: ویلیام شکسپیر؛ سارا کین؛ وظیفه؛ سوژکتیویته؛ تعالی.

«ناگهان سراسیمه»: هویت مغشوش و معنای درهم شکسته در داستانهای کوتاه لیدیا دیویس

محسن حنیف

دانشیار ادبیات انگلیسی، گروه زبانهای خارجی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

زهرامینی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری ادبیات انگلیسی، گروه زبانهای خارجی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

مطالعه‌ی حاضر تلاش دارد تا با استفاده از تئوری آلوده انگاری ژولیا کریستوا، نشان دهد که داستانهای کوتاه لیدیا دیویس، نویسنده معاصر آمریکایی، در وهله‌ی اول حول محور شکنندگی هویت و مرزهای آن می‌چرخد. این مقاله با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی و کتاب «قدرت وحشت: مقاله‌ای در باب آلوده انگاری» کریستوا، به عنوان مهمترین منبعی که در آن به این تئوری پرداخته، چهار داستان کوتاه لیدیا دیویس را به صورت عمقی مطالعه می‌کند. آلوده انگاری فرایندی است که طی آن سوژه، در مراحل اولیه‌ی رشد، هرآنچه که با «خود» غریبه است، یا همان امر آلوده، را کنار می‌گذارد تا موجودیت واحد پیدا کند. با تشخیص و تحلیل دو صورت اصلی امر آلوده (زن و جسد)، این جستار تصریح می‌کند که شخصیت‌ها و راویان دیویس همواره در چاه‌های عمیق بحران هویت گرفتارند، بحرانی که در کاربرد زبان خود را نشان می‌دهد. این تحقیق سعی دارد تا با بررسی داستانهای «زن سیزدهم»، «ناگهان سراسیمه»، «سؤالات گرامری» و «نامه به خدمات خاکسپاری» پیچیدگی‌های تلاش برای حفاظت از هویت در چالش و فردیت در خطر را در برابر امر آلوده نشان دهد. با این که امر آلوده مدام توسط شخصیت‌های این داستانها پس زده می‌شود، ولی هرگز به طور کامل از بین نمی‌رود و به اشغال پیرامون فردیت و انسجام معنا ادامه می‌دهد.

واژگان کلیدی: هویت؛ آلوده انگاری؛ امر آلوده؛ داستان کوتاه؛ خود.

نا/میدانه/از دست رفته گئورگی دانلیا (۱۹۷۳) روایتی از جنگ سرد در یک اقتباس سینمایی از ماجراهای هاکلبری فین اثر تواین

اصغر مولوی نافجی

دانشجوی دکتری ادبیات انگلیسی، پردیس بین الملل دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

علی رضا انوشیروانی

استاد، گروه ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

لاله آتشی (نویسنده مسؤول)

استادیار، گروه ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

در قرن بیست و یکم، مطالعات اقتباسی فیلم به سمت بازکاوی متن ادبی با توجه به پیشامدها و موقعیت اجتماعی سیاسی زمانه سوق یافت. نظریه های ادبی مانند ماتریالیسم فرهنگی می توانند به شرح و بسط فیلم اقتباسی پردازند. با توجه به اینکه، گئورگی دانلیا فیلم *نا/میدانه/ی/از دست رفته* (۱۹۷۳) را با تمرکز بر جهت گیری های سیاسی جنگ سرد شوروی و آمریکا مورد بررسی قرار داده است می توان از طریق ماتریالیسم فرهنگی، دریچه ای به روی متن ادبی *ماجرای هاکلبری فین* مارک تواین گشود تا در پرتو ملاحظات سیاسی دوران جنگ سرد خوانش دقیقی از فیلم و رمان ارایه داد. بدین ترتیب، شیوه سینفیلد در خواندن که به عنوان «تأثیر جنگ» شناخته می شود برای نشان دادن شکاف ها و گسل هایی که کارگردان برای به تصویر کشیدن روایت خود از جنگ سرد استفاده کرده است، به کار گرفته شده است. به همین دلیل، نشان داده می شود که فیلم روسی مورد بررسی یک اقتباس سینمایی است که بر آن بخش ها و برش هایی از رمان متمرکز شده است که حاوی تصاویر تاریک در مورد ایالات متحده است و نیز سعی در ایجاد انواع جهش هایی دارد که با این جهت گیری همخوانی دارند. در مجموع، روایت این فیلم اقتباسی به واسطه تمرکز بر شخصیت عمو سام واقعیت تلخی را به تصویر می کشد که حاکی از سقوط اجتناب ناپذیر ایالات متحده در میدان و صفت بندی سیاسی جنگ سرد است.

واژگان کلیدی: مطالعات اقتباس؛ ماجراهای هاکلبری فین؛ جنگ سرد؛ ماتریالیسم فرهنگی؛ *نا/میدانه/ی/از دست رفته*؛ تأثیر جنگ.

مقاومت فردی به مثابه جنبش سیاسی: پایداری زنان و عاملیت باتلری درمان کشف رازلنت نوشته آلیس واکر

میمنت دانشوری

فارغ التحصیل دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بختیار سجادی (نویسنده مسئول)

دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

چکیده

داستان زندگی زنان سیاهپوستی که با اتکا به سنتهای قومی بر علیه نظام مردسالارانه و نژادپرست زمانه خود قیام کرده اند همواره کانون توجه بسیاری از نویسندگان زن سیاهپوست بوده است. رمان کشف رازلنت که در سال ۲۹۹۱ به چاپ رسیده است یکی از رمانهای برجسته آلیس واکر نویسنده آفریقایی-آمریکایی است که تلاش شخصیتهای سیاهپوست را برای غلبه بر تجارب دردناک گذشته و رسیدن به درجه ای از استقلال و عاملیت و مقابله با قالهای ایدئولوژیک و نژادپرستانه به تصویر می کشد. مقاله حاضر نگاهی تحلیلی است به زندگی قهرمان داستان، تاشی، که قربانی سنت ختنه زنان بوده است و داستان زندگی او تصویری از تلاش زنان سیاهپوست برای احیای مجدد زنانگی از دست رفته و بازیابی هویت انسانی واقعی آنهاست. تنها راه رهایی او، عبور از مرزهای از پیش تعریف شده و بازیابی ارتباط از دست رفته اش با جامعه سیاهپوست است. تلاش فردی او فقط با همراهی با حرکتی اجتماعی و گروهی بر علیه سنن ظالمانه گذشته به نتیجه خواهد رسید. نویسندگان مقاله حاضر، با توجه به دو مفهوم نقادانه، اصالت زن و "عاملیت"، به بررسی تغییر شخصیت تاشی از یک قربانی زخم خورده به یک کنشگر اجتماعی پرداخته اند. مفهوم "اصالت زن" توسط آلیس واکر به عنوان مفهومی غیر جدایی طلب و جهان شمول مطرح شده که بر اهمیت اتحاد و حرکت جمعی تاکید دارد و مفهوم "عاملیت" بعنوان نیروی شفابخش برای بازسازی هویت از دست رفته شخصیتها توسط جودیت باتلر متفکر شهیر آمریکایی مطرح شده است. تاکید تحقیق حاضر بر روی استراتژیهای اعمال شده توسط قهرمان داستان برای به رسمیت شناختن حق خود به عنوان انسانی صاحب اختیار و پویا و تلاش او برای مقابله با عقاید و سنن محدود کننده ای است که موقعیت زن را تا حد یک شی و قربانی منفعل تنزل داده اند.

کلید واژه ها: عاملیت؛ چندپارگی شخصیت؛ تمامیت؛ احیای هویت؛ اصالت زن.

عشق ورستگاری انسان مدرن: خوانش تطبیقی پدیده «دگرگونی در عشق» از دیدگاه ژیل دلوژ و ملا صدرا شیرازی

سیده سولماز موسوی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، گروه ادبیات انگلیسی،
دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد کرج، کرج، ایران
فاضل اسدی امجد (نویسنده مسئول)
استاد زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان‌های خارجی،
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

انسان مدرن، با وجود تمام دغدغه‌های مربوط به «هویت» و «چستی خویشتن»، همچنان به دنبال عشق به عنوان نیروی رستگاری بخش برای رسیدن به ثبات، صلح، و معنا در زندگی است. به این منظور، مفهوم «دگرگونی» به عنوان تحول و حرکتی درونی در روند عشق از دیدگاه ژیل دلوژ، نظریه پرداز فرانسوی، و ملاصدرا شیرازی، فیلسوف ایرانی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مفهوم «دگرگونی» از منظر دلوژ با مفهوم «حرکت جوهری» از منظر ملاصدرا از این جهت مطابقت دارد که هر دو منجر به پدیده‌ی «ادراک»، «تحول» و «دگردیسی» می‌شوند. اما مفهوم عشق در نظریه‌ی دلوژ تجربه‌ی ریزوم گونه‌ی «تجلی دیگری» و «ممکن الوجودهای متمایز» است به منظور رسیدن به نوعی «اثر» منحصر به فرد که هیچ پیام یا هدف گرایی در پس آن موجود نیست، و تنها تجربه‌ی این «اثر» و «حس» بی‌مانند برای ایجاد دگرگونی و تحول کافی است. در حالی که صدرا عشق را به عنوان هسته‌ی اصلی تمام موجودات می‌داند که هدایت‌گر حرکتی سلسله مراتبی و متعالی است که با تکیه بر روند تشکیک وجود به نوعی وحدت و صلح وجودی منتهی می‌شود. در این مقاله، نظریه‌ی «دگرگونی در عشق» از دیدگاه دلوژ و «حرکت جوهری و عشق» از دیدگاه صدرا به کار گرفته می‌شود تا کارایی و مواجهه‌ی این دو نظریه در خصوص رستگاری و رهایی انسان مدرن از پوچ گرایی، حس بیگانگی، پریشانی، و سردرگمی مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: عشق؛ دگرگونی؛ حرکت جوهری؛ هویت؛ وحدت.

مطالعات ادبی معلولیت در رمان موش‌ها و آدم‌ها اثر جان اشتاین‌بک

کیمیا زارع

کارشناس ارشد ادبیات انگلیسی، بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی،
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
سمیرا ساسانی (نویسنده مسئول)
دانشیار ادبیات انگلیسی، بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی،
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

ناتوانی در زندگی روزمره‌ی ما حضور همیشگی دارد، از برخورد ما با افراد دارای معلولیت در تجربه‌های زیسته گرفته تا در رمان‌ها، فیلم‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و... پس از مقارن شدن پایان جنگ ویتنام با جنبش‌هایی همچون حقوق شهروندی و شتاب گرفتن گفتمان‌های اجتماعی حول محور نژاد، جنسیت، و هویت جنسی در دهه ۱۹۷۰ میلادی، نیاز به رویکردی مبتنی بر حقوق مدنی برای معلولیت شکل گرفت. پیش‌تر، معلولیت یک انحراف جسمانی یا ذهنی در فرد تلقی می‌شد، مصیبتی که باید درمان یا ریشه‌کن می‌شد. این رویکرد پزشکی جای خود را به رویکردی اجتماعی داد که در آن، محیط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، افراد دارای نقص را معلول جلوه می‌داد. اخیراً برخی نظریه پردازان ترسیم خطوط میان رویکرد اجتماعی و پزشکی را مردود شمرده و به جای آن رویکرد آمیزگاهی فرهنگی را پیشنهاد می‌دهند و معتقدند این الگوی ترکیبی تنها رویکرد عادلانه در رابطه با تجربه‌ی افراد دارای معلولیت است. پژوهش حاضر هدف تحلیل رمان کوتاه موش‌ها و آدم‌ها، نوشته‌ی جان اشتاین‌بک را دارد. این پژوهش چالش‌های پیش روی لئو، شخصی دارای ناتوانی ذهنی و نحوه‌ی رفتار با او را براساس نظریه پردازای فرهنگی ناتوانی‌گارانند-تامسون از طریق سه مفهوم بررسی می‌کند: فمینیسم و معلولیت؛ مدل سه‌گانه‌ی اجتماعی-فرهنگی؛ فردگرایی لیبرال، مسأله‌ی کار و معلولیت.

واژگان کلیدی: رزماری گارلند-تامسون؛ نقد فرهنگی؛ ننگ؛ به‌حاشیه‌راندن؛ ساختار اطاعت‌پذیری-سودمندی.

طوطی فلوبر جولیان بارنز به عنوان متن نوشتاری

ولی غلامی (نویسنده مسئول)

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

پیام بابایی

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران

شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

این مقاله طوطی فلوبر اثر جولیان بارنز را با استفاده از پنج کد نشانه‌شناختی که توسط منتقد ادبی فرانسوی رولان بارت در اثر معروفش *اس/زد* معرفی شده را مورد بررسی قرار می‌دهد تا نشان دهد که این رمان متنی "نوشتاری" است تا "خواندنی". مقاله در ابتدا متن نوشتاری از نظر بارت را مورد بررسی قرار می‌دهد و پس از آن به این نکته می‌پردازد که چگونه می‌توان این اثر را متن نوشتاری به حساب آورد. نظر به این که رمان مورد بحث توسط منتقدان برجسته ادبی هم به عنوان یک اثر مدرن و هم پسامدرن دسته‌بندی شده است، می‌تواند موردی مناسب برای بررسی به عنوان متن نوشتاری در نظر گرفته شود. این مقاله نشان می‌دهد که کدهای معنایی، نمادین و فرهنگی که متن نوشتاری را خلق می‌کنند، به وفور در رمان به کار گرفته شده‌اند، در حالی که به کدهای هرمنوتیک و پروآیتریک -- که با رمان‌های واقع‌گرای متداول و در نتیجه متون خواندنی مرتبط هستند -- کمتر پرداخته شده است و حتی می‌توان گفت که در متن غایب هستند. مقاله سپس به عوامل دخیل در پدید آمدن متن نوشتاری در اثر مورد بحث از جمله: نقش برجسته رمان نویس، موضوع زندگی‌نامه، مفهوم نقد ادبی و شیوه روایت متن را به تفصیل مورد بررسی قرار می‌دهد. در نهایت، مقاله به این نتیجه می‌رسد که پیچیدگی‌های نشانه‌شناختی و نوآوری‌های روایی که نتیجه به کارگیری شگردهای فوق‌الذکر است باعث پدید آمدن متن نوشتاری بسیار پیچیده‌ای می‌شود.

واژگان کلیدی: بارت؛ متن نوشتاری؛ کدهای پنج‌گانه نشانه‌شناختی؛ *اس/زد*؛ جولیان بارنز؛ طوطی فلوبر.

بازنمایی معضل جوامع جنگ زده: خوانش نبرد مناطق فرودست دون / امانوئل و من به شب شهر خیره گشتم با رجوع به ویژگی‌های رئالیسم جادویی از منظر فارسی

جیگر سلام حسین

دانشجوی دکتری، گروه زبان انگلیسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

مریم عبادی آسایش (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

سید مجید علوی شوشتری

استادیار، گروه زبان انگلیسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

این مقاله کاربرد ویژگی‌های اولیه تکنیک‌های روایی وندی بی فارسی را در داستان‌های رئالیستی جادویی در رمان‌های منتخب *نبرد مناطق فرو دست دون / امانوئل* (۱۹۹۰) نگاشته لویی د برنیر رمان نویس بریتانیایی و *به شب شهر خیره گشتم* اثر بختیار علی رمان نویس کرد را بیان می‌کند، در حالی که در مواقع لزوم، دیدگاه‌های چندین و هگرفلد را نیز مد (2008) نظر دارد. تمرکز بر استفاده نویسندگان از ویژگی‌های [مورد بحث] فارسی: یعنی جهان محسوس، شک و تردید های آزار دهنده، ادغام قلمروها، عنصر ناکاستنی، اختلالات زمان، مکان و هویت در جهت به تصویر کشیدن جوامع جنگ زده آنهاست. رمان نویسان [مذکور] این ویژگی‌ها را با توجه به دیدگاه‌های گوناگون خود با مهارت به کار گرفته اند. علیرغم پیشینه‌های فرهنگی و دیدگاه‌های فکری متفاوت، هر دو رمان نویس سعی بر این دارند با کاوش در ماهیت مرموز رفتار انسان و روان‌شناسی، سیاست و زندگی به طور کلی، حسی از واقعیت را منتقل کنند. در این مطالعه، هدف پژوهشگران این است که اهمیت این ویژگی‌ها را در رمان‌های منتخب برای نشان دادن معضلات جوامع جنگ‌زده روشن کنند. اساساً، محققان به دنبال کشف چگونگی کمک این عناصر ادبی به بازنمایی ماهیت پیچیده و چندوجهی جوامعی هستند که با تأثیرات تعارض دست و پنجه نرم می‌کنند. به کار گیری ویژگی‌های فارسی در آثار نویسندگان به درجه ای تبدیل می‌شود که از طریق آن واقعیت های پیچیده جوامع جنگ زده در آثار مربوطه شان بررسی و بیان می‌شود.

واژگان کلیدی: جهان محسوس؛ شک و تردید های آزار دهنده؛ ادغام قلمروها؛ عنصر ناکاستنی؛ اختلالات زمان؛ اختلالات فضا.

عاملیت مترجمان در فیلم‌های فن‌ساب شده فارسی: تحلیلی پیرامنتی

نیما نوشمند (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد مطالعات ترجمه، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، تهران، ایران

میلاذ میره‌کی

دانشجوی دکتری مطالعات ترجمه، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

مطالعه حاضر با تکیه بر مفهوم «عاملیت پیرامنتی» (پالوپوسکی، «Limits of Freedom» ۱۹۱)، عاملیت فنسابرهای ایرانی را مورد بررسی قرار داد. برای انجام این کار، مجموعه‌ای متشکل از ۲۰ فیلم فنساب شده فارسی از میان فیلم‌های هالیوودی منتشر شده در دهه گذشته به صورت تصادفی انتخاب شدند. مطالعه در دو مرحله انجام شد. ابتدا یادداشت‌های مترجمان بر اساس محتوا، فراوانی و درصد هر مقوله دسته‌بندی شدند. سپس، این یادداشت‌ها برای بررسی دقیق عاملیت فنسابرهای ایرانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که یادداشت‌های اضافه‌شده از طرف فنسابرهای ایرانی را می‌توان به یادداشت‌های مرتبط با روایت داستان، مکان‌ها، اشخاص معروف، سازمان‌ها، اطلاعات پزشکی، تلمیح‌ها و نویسه‌گردانی‌ها دسته‌بندی کرد. این مطالعه نشان می‌دهد که با ارائه چنین یادداشت‌هایی به مخاطبان، فنسابرهای ایرانی از نقش مرسوم مترجم زیرنویس و انتقال‌دهنده زبانی فیلم‌ها فراتر رفته و مسئولیت معلمان، پژوهشگران، نمایندگان فرهنگی و عوامل واسطه را بر عهده می‌گیرند. این مطالعه نتیجه‌گیری می‌کند که فنسابینگ در ایران به توضیح موارد مرتبط با فرهنگ فیلم‌ها می‌پردازد تا آنها را برای مخاطب قابل درک‌تر کند. نتیجه‌گیری‌های این مطالعه می‌تواند راه‌هایی به آینده رویکردهای جامعه‌شناختی به ترجمه سمعی و بصری، با توجه به عاملیت و موقعیت فنسابرها باز کند.

واژگان کلیدی: پیرامتن؛ عاملیت پیرامنتی؛ عاملیت مترجم؛ فنسابینگ؛ فنسابرها.

آشنایی معلمان انگلیسی زبان انگلیسی با شیوه‌های اجرای سواد انتقادی در کلاس‌های آنلاین: پژوهشی از جنس پدیدارشناسی متعالی

اسمعیل علی سلیمی (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های

خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

امید استاد

دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

این پژوهش بر آن است تا میزان آشنایی معلمان زبان انگلیسی ایرانی را با مفهوم سواد انتقادی در کلاس‌های آنلاین بررسی کند. این پژوهش کیفی در دو مرحله انجام شد. در مرحله نخست، پس از بررسی ادبیات تحقیق و سنجش دقیق پرسشنامه‌های موجود و جمع‌آوری داده‌ها از متخصصان این حوزه، مجموعه‌ای از پرسش‌های باز، تهیه و فهرست شد. سپس، داده‌های کیفی جمع‌آوری شده از ۲۹ معلم زبان انگلیسی از طریق پرسشنامه باز و مصاحبه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. چارچوب و داده‌های استخراج شده، به توسعه ۲۳ پرسش برای بخش مصاحبه رهنمون شد. بر این اساس، کلاس‌های آنلاین کلیه معلمان برای یک ترم کامل از سوی نگارنده مشاهده شد. با در نظر گرفتن یافته‌ها و دیگر موارد مطرح شده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بخشی از برنامه‌های درسی آموزش زبان در ایران باید به سواد انتقادی اختصاص یابد. این یافته‌ها به طور بالقوه به متولیان امر آموزش، از جمله سیاست‌گذاران زبان دوم/خارجی، مربی معلمان، مقامات مسئول جذب معلمان، و توسعه‌دهندگان مواد آموزشی کمک می‌کند تا اقدامات مناسبی برای افزایش سواد انتقادی معلمان زبان دوم/خارجی قبل و حین خدمت انجام دهند که در نتیجه، ترغیب اجرای این مفهوم کلیدی را در زمینه آموزشی به دنبال دارد.

واژگان کلیدی: سواد انتقادی؛ آشنایی؛ کلاس‌های آنلاین زبان انگلیسی؛ زبان آموزان ایرانی.